



محمدعلی عسکری؛ تقریباً ۲۰ سال پیش بود که من با شبکه‌ای به نام الجزیره آشنا شدم. یادم می‌آید در روزنامه جامعه بودیم و کسی که معلوم نشد که بود نواری را از یکی از برنامه‌های این شبکه به دبیر گروه بین‌الملل روزنامه داد تا پیاده و چاپ کنند. این نوار کاست شرح گفت‌وگوهای داغ دو نفر بر سر مذاکرات صلح فلسطین در کپنهاک بود. نام یکی از این دو نفر را یادم رفته اما دیگری علی عقله عرسان، نویسنده و تحلیلگر معروف سوری طرفدار نظام اسد، بود. عرسان به‌شدت با برگزاری چنین گفت‌وگوهایی مخالفت می‌کرد و درمقابل طرف دیگر او را متهم به تروریسم می‌کرد و می‌گفت با صلح و سازش در ستیز است. نوار درواقع، یکی از برنامه‌های «الاتجاه‌المعکس» یا به تعبیر فارسی «جهت مخالف» بود؛ برنامه‌ای جنجالی و داغ که آن را فیصل قاسم اداره می‌کرد و هر هفته دو نفر کاملاً مخالف را از یک کشور یا یک منطقه برمی‌گزید تا هم بر سر یک موضوع مشخص بحث کرده و تا حد دعوا و بز‌ن‌بزن پیش بروند. آن نوار پیاده و در روزنامه جامعه به صورت چند شماره منتشر شد. از همان زمان دیگر من شبکه الجزیره را از دست نداده‌ام و هنوز هم تقریباً روزی نیست که به این شبکه یا سایت اینترنتی آن مراجعه نکنم. این شبکه هم‌اکنون ۲۱ سال دارد؛ شبکه‌ای که همواره مانند خاری در چشم نظام‌های دیکتاتوری منطقه بود و هم‌اینک نیز چهار کشور مصر، عربستان، امارات و بحرین همه فشار خود را بر دولت قطر آورده‌اند تا این شبکه را تعطیل کند؛ اتفاقی که حتی اگر به تعطیلی این شبکه نینجامد به تعدیل آن خواهد انجامید و ممکن است دیگر شاهد شبکه‌ای مانند گذشته نباشیم.

در این سال‌ها الجزیره در بطن خود ویژگی‌هایی داشت که دیگران نداشتند و مثل آهنربا مخاطب را به سمت خود جذب می‌کرد. الجزیره شبکه‌ای بود که خیلی از کشورها و سازمان‌ها آرزوی داشتنش را داشتند اما نتوانستند به آن دست یابند. جالب اینکه دولت قطر شبکه‌های تلویزیونی مخصوص به خودش را دارد. ازاین‌رو الجزیره اصلاً یک شبکه قطری تلقی نمی‌شد و در آن کمتر خبر یا گزارشی درباره این کشور مشاهده می‌شد. الجزیره درواقع شبکه‌ای بود مربوط به کل جهان عرب و فراتر از آن کل خاورمیانه؛ شبکه‌ای منحصربه‌فرد که با برنامه‌های توانست موجی از آگاهی‌های جدید را پدید آورده و یک قدرت رسانه‌ای شگفت‌انگیز و کاملاً مدرن را در منطقه‌ای سنتی و عقب‌مانده به نمایش بگذارد. الجزیره مانند هیچ تلویزیون دیگری نبود. هیچ شباهتی به تلویزیون‌های دولتی عرب که از همان ابتدا خبرهای مربوط به دربار و پادشاهان را روایت می‌کنند و شیوه‌ای کاملاً بسته و سانسورشده دارند، نداشت. ساعت‌های پخش برنامه‌هایش با گریونچ تنظیم می‌شد و تکیه اصلی شبکه بر پخش‌تاری در خبررسانی، طرح دیدگاه‌های مختلف و متضاد، کاویدن کارشناسانه تحولات و درنهایت تأثیرگذاری بر مخاطب بود. الجزیره به گفته توماس فریدمن، یکی از «آزادترین و فراگیرترین شبکه‌های تلویزیونی قابل مشاهده در جهان عرب» بود؛ شبکه‌ای که گفته می‌شد بین ۷۰ تا ۸۰ میلیون (روایت‌های دیگر تا ۵۰ میلیون) بیننده دارد.

عجیب اینکه الجزیره به لحاظ تنوع برنامه‌ها کیفیت بسیاری از شبکه‌های مشابه را نداشت. همه بخش‌های آن در چند برنامه خاص خلاصه می‌شد. محور اصلی همه این برنامه‌ها نیز سیاست و تاریخ معاصر جهان عرب در کنار خبرهای روز جهان بود که مجریانی ورزیده، خوش‌سیما و خوش‌لهجه آن را به‌سمع‌ونظر مخاطب می‌رساندند. یکی از برنامه‌های مسئله‌ساز الجزیره «الشريعة و الحياه» و دین و زندگی» بود که به تریبون شخصی برای یوسف القرضاوی، روحانی تندرو اخوانی، تبدیل شده بود و الجزیره مدام به خاطر همین برنامه در معرض انتقاد قرار می‌گرفت. گرایش عمده گردانندگان و مجریان الجزیره نیز به «اخوان‌المسلمین» نزدیک بود که در ادامه بیشتر خواهد آمد. توجه به ملیت‌های دست‌اندرکاران الجزیره نیز نشان می‌دهد این شبکه به جزوهای برای بسیاری از فعالان رسانه‌ای جهان عرب تبدیل شده بود تا در آن نسبت به کشورهایشان روشنگری کنند.

نخو‌اوج‌گیری

می‌گویند الجزیره کار خود را با دریافت سرمایه‌ای معادل ۱۵۰ میلیون دلار از امیر قطر آغاز کرد (برخی منابع می‌گویند این شبکه با سرمایه‌ای معادل ۱۳ میلیون دلار راه‌اندازی شد). ابتدا طوری برنامه‌ریزی شده بود که این شبکه بتواند تا سال ۲۰۰۱ به خودکفایی برسد، اما زمانی که در رسیدن به این هدف ناگام ماند، امیر قطر مجبور شد به کمک‌های خود به این شبکه ادامه دهد. الجزیره بخشی از هزینه‌های خود را از طریق پخش آگهی، هزینه‌های اشتراک، پخش معاملات بین شرکت‌های دیگر و فروش تولیدات خود تأمین می‌کند. زمانی ۴۰ درصد درآمد‌های این ایستگاه تلویزیونی را پخش آگهی‌ها تشکیل می‌داد. همچنین گفته می‌شد بودجه سالانه این شبکه حدود ۶۰ میلیون دلار است. این شبکه به صورت رسمی پخش برنامه‌های خود را از اواخر سال ۱۹۹۶ آغاز کرد. در آوریل همان سال، شبکه تلویزیونی سرویس جهانی بی‌بی‌سی به زبان عربی به دلیل فشارهای عربستان سعودی پس از دو سال فعالیت تعطیل شد. ازهمین‌رو تعدادی از کارکنان این شبکه به دوحه رفته و الجزیره را تشکیل دادند. بالاترین مقام الجزیره، حمدبن‌ثامر آل‌ثانی، یکی از عموزاده‌های دور امیر قطر حمدبن‌خلیفه آل‌ثانی بود. نخستین مدیر این شبکه جاسم العلی، روزنامه‌نگار سرشناس عرب، بود که دوره‌هایی را در زمینه ارتباطات در ژاپن، فرانسه و آمریکا گذرانده بود. گفته می‌شود بعدها بر اثر فشار آمریکایی‌ها که او را متهم به داشتن ارتباط با صدام‌حسین دیکتاتور عراق کردند، در سال ۲۰۰۳ از کار برکنار شد. پس از او عدنان الشریف، روزنامه‌نگار کهنه‌کار عرب، جانشین وی شد اما دوران او طولی نکشید تا اینکه وضاح خنفر به‌عنوان مدیرعامل این شبکه منصوب شد. خنفر یک روزنامه‌نگار فلسطینی بود که بی‌سال‌های



۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱ مدیریت شبکه الجزیره را برعهده داشت. مجله فوربس در سال ۲۰۰۹ او را «تأثیرگذارترین شخصیت در جهان عرب» معرفی کرد. به دنبال کنارگذاشتن خنفر که سروصداهای زیادی به‌پا کرد، احمد بن‌جاسم بن‌محمد آل‌ثانی جانشین او شد. خنفر ابتدا مهندسی و بعد فلسفه خوانده بود و پیش از آنکه رئیس الجزیره شود به‌عنوان خبرنگار این شبکه در آفریقا فعالیت می‌کرد. هم او بود که جنگ افغانستان را برای شبکه پوشش داد. خنفر به لحاظ سیاسی متهم به هواداری از اخوان‌المسلمین و حماس بود و موقع استعفا با نوشتن نامه‌ای گفت: «طمع‌من است با رفتن او سیاست شبکه الجزیره تغییری پیدا نخواهد کرد زیرا این شبکه براساس معیارها شکل گرفته است نه اشخاص». بعضی منابع می‌گویند دلیل برکناری وضاح خنفر اسناد ویکی‌لیکس بود که در آن نشان داده می‌شد او با سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا در ارتباط بوده است. رئیس کنونی این شبکه باسر ابوهلاله است که او هم از طرفداران جدی گروه اخوان‌المسلمین به‌شمار می‌رود.

منحصربه‌فرد

نخستین بارقه‌های یک شبکه خبری متفاوت با نمایش صحنه‌هایی از انتفاضه فلسطینی‌ها در شبکه الجزیره کلید خورد؛ صحنه‌هایی که جهان عرب را تکان داد و افکار عمومی منطقه را به‌شدت علیه حاکم آن‌وقت برآشفست. گفته می‌شود یک بار امیرعبدالله، پادشاه سعودی، در دوران ولیعهدی‌اش ویدیویی از حوادث فلسطین را که شبکه الجزیره پخش کرده بود به کاخ سفید برد و به جورج بوش نشان داد. او در آنجا گریان و ملامت‌سازانه از جورج بوش خواست برای دفع ظلم بر فلسطینی‌ها «کاری بکند». عبدالله بعدها خودش طرح صلح عربی را ارائه داد که در کنفرانس سران عرب در بیروت (۲۰۰۲) به تصویب رسید و به دلیل عدم پذیرش اسرائیل همان زمان پایبانی شد.

شبکه الجزیره با تحولات مربوط به جنگ افغانستان به شهرتی جهانی رسید. خبرنگاران این شبکه با دقت و جسارت بی‌نظیری خبرهای مربوط به این جنگ را پوشش می‌دادند. مصاحبه‌های این شبکه با اسامه‌بن‌لادن، الجزیره را در ردیف مهم‌ترین شبکه‌های خبری نشان‌د. پخش سخنرانی بن‌لادن یکی از شاهکارهای خبری این شبکه بود که جهان را با حیرت مواجه کرد. گفته می‌شود این شبکه برای فروش هر دقیقه سخنرانی بن‌لادن ۲۰ هزار دلار دریافت می‌کرد. گفت‌وگوهای این شبکه با شخصیت‌های مهم جهان یکی از امتیازات بزرگ الجزیره بود که هنوز هم آن را حفظ کرده است. می‌گویند هنگامی که هوگو چاوز پس از کودتایی نافرجام به کاخ ریاست‌جمهوری ونزوئلا برگشت ترجیح داد برای پخش سخنانش به الجزیره رجوع کند یا باری دیگر در یک اقدام نادر صدام‌حسین با الجزیره مصاحبه کرد. کم نیستند مقامات ارشد کشورهای جهان که همچنان در آرزوی حضور در این شبکه هستند.

یکی از ابتکارهای بزرگ این شبکه تابوشکنی از مقامات اسرائیلی بود. الجزیره برای نخستین‌بار در جهان عرب تصمیم گرفت به صورت مستقیم با مقامات اسرائیلی گفت‌وگو کند. این در حالی بود که هیچ شبکه عربی حاضر نبود با به گفته خودشان «دشمن»، گفت‌وگو کند. الجزیره معتقد بود اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها هر دو در حوادث جاری الجزایر طبق یک برنامه سنجیده و نفس‌گیر از شبکه الجزیره به‌نمایش درجند می‌دانیم جهت‌گیری کلی شبکه همیشه حمایت از فلسطین و انتفاضه بوده است. خبرنگاران الجزیره اعتقاد داشتند «اعراب ده‌ها سال مسائلشان را پنهان کرده‌اند و حالا وقت آن است که این مسائل بیرون ریخته شوند. ابتدا آنها حرف‌هایشان را مثل گلوله به سوی هم پرتاب می‌کنند اما به‌مرور آرام خواهند گرفت» به‌همین‌دلیل الجزیره در مواقع زیادی به میدان جنگ طرف‌های دیگر تبدیل می‌شد و همین از الجزیره یک شبکه زنده، پویا و به‌شدت تأثیرگذار می‌ساخت. الجزیره جنگ‌های لبنان سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ را به‌خوبی پوشش داد. در جریان جنگ ۳۰روژه (۲۰۰۶) خبرنگاران این شبکه لحظه‌به‌لحظه این جنگ را روایت کردند. در عراق این شبکه تحولاتش را از ۱۹۹۹ تاکنون پیوسته پوشش داده است. سرنگونی نظام صدام‌حسین در سال ۲۰۰۳ را می‌شد به صورت مستقیم و نفس‌گیر از شبکه الجزیره به‌نمایش نشست. در ماجرای ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ الجزیره سنگ‌تمام گذاشت. قبل از آن دولت آمریکا از الجزیره به دلیل کار حرفه‌ای و مستقلش به‌شدت ستایش می‌کرد؛ اما بعد از این اتفاق با پخش نوارهای ویدیویی اسامه‌بن‌لادن و سلیمان ابوغیث که از حمله به برج‌های دوقلو دفاع می‌کردند، جنجال بزرگی را در آمریکا علیه این شبکه به راه انداخت. روز ۱۲ نوامبر ۲۰۰۱ بود که دفتر این شبکه در کابل هدف یک موشک آمریکایی قرار گرفت و منهدم شد.

یکی دیگر از قله‌های فعالیت رسانه‌ای الجزیره را باید پوشش خبری‌دادن به تحولات موسوم به بهار عربی در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ دانست. این شبکه به‌شدت از قیام‌های مردمی در کشورهای عرب حمایت می‌کرد و دیکتاتوری‌های حاکم را مورد انتقاد قرار می‌داد. تا جایی که این شبکه به «تریبونی» برای تمام این جنبش‌ها تبدیل شده بود و برخی کارشناسان غربی اساس الجزیره را مبدع و موجد این

جهان



حامی گروه‌های تروریستی می‌داند و… خلاصه آنکه دولتی در جهان عرب نیست که از دست شبکه الجزیره دل پرخونی نداشته باشد.

در ترازوی نقد

شبکه الجزیره به دلیل کار حرفه‌ای خود تاکنون جوایز متعددی دریافت کرده است؛ ازجمله در سال ۱۹۹۹، صندوق این‌رشد برای آزادی اندیشه در برلین جایزه خود را به الجزیره اعطا کرد. در سال ۲۰۰۴، به‌عنوان یکی از پنج وب‌سایت بهتر جهان در کنار بی‌بی‌سی، نیوز، نشنال‌جنوگرافیک و… معرفی شد و در سال ۲۰۰۴، از سوی خوانندگان خود به‌عنوان پنجمین نشان تجاری اثرگذار پس از اپل و گوگل مورد قبول اعلام شد. در سال ۲۰۰۵، به دلیل «شهامت در غلبه بر سانسور و کمک به تبادُل آزاد اطلاعات در جهان عرب» جایزه مجله پایگانی سانسور را دریافت کرد. برنامه‌های الجزیره به دلیل بکر و تولیدی‌بودن بارها از سوی سایر شبکه‌های تلویزیونی بازپخش شده است. برای مثال تاکنون بارها مصاحبه‌های اختصاصی الجزیره از کانال‌های بی‌بی‌سی و سی‌ان‌ان بازپخش شده است. پخش برنامه‌های الجزیره هم‌اکنون در سراسر دنیا از طریق سیستم‌های مختلف ماهواره‌ای و تلویزیونی قابل دسترسی است. سرویس انگلیسی الجزیره به‌طور رسمی کار خود را از سال ۲۰۰۶ آغاز کرد و با بهره‌بردن از شخصیت‌های حرفه‌ای و اثرگذاری مانند دیوید فرارست، مجری کهنه‌کار بریتانیایی، توانست به موفقیت چشمگیری دست یابد. علاوه بر دو کانال عربی و انگلیسی، الجزیره دارای زیرمجموعه‌های گسترده‌ای از شبکه‌های تلویزیونی و مراکز رسانه‌ای است. کانال‌های مستند، ورزشی، الجزیره مباشر، الجزیره کودکان، کانال‌های الجزیره به زبان اردو و ترکی و از همه اینها مهم‌تر دو مرکز مطالعات و مرکز آموزش‌های رسانه‌ای الجزیره که از کشورهای گوناگون دانشجوی گرفته و به آنها آموزش می‌دهد، از مهم‌ترین بخش‌های کاری الجزیره است. گفته می‌شود این شبکه در نظر دارد در آینده کانالی را برای موسیقی و نیز یک روزنامه بین‌المللی راه‌اندازی کند. همه اینها توسعه‌روزافزون این شبکه در سال‌های گذشته را نشان می‌دهد. الجزیره در کار حرفه‌ای خود تاکنون در معرض نقدهای بی‌رحمانه‌ای نیز قرار گرفته است. یکی از انتقادهای گسترده به این شبکه آن بود که به ویدیوهای را از تورریست‌ها در هنگام سریردن قرار نمی‌دهد. دیگری اینکه الجزیره در موارد متعددی از انتقادها نسبت به الجزیره این بود که به رسانه‌ای برای گروه‌های تروریستی ازجمله القاعده و طالبان تبدیل شده است. حتی در سال ۲۰۰۳ تسیسر علونی، گزارشگر این شبکه در اسپانیا، به اتهام پشتیبانی از اعضای القاعده دستگیر و زندانی شد و بعدها برای او هفت سال زندان بریدند. رویکرد الجزیره درباره طالبان نیز به همین سبک‌وسیاق بود و ویدئیم نقد قرار نمی‌دهد. «آرای و السرای الاخر»، یعنی «دیدگاه و دیدگاه دیگری» بود و الجزیره تابه‌حال به این شعار خود پایبند بوده است.

گواه دیگر بر موفقیت شبکه الجزیره، شاخ‌وشانه‌کشیدن‌های ممتد رهبران کشورهای مهم جهان از آمریکا گرفته تا کشورهای منطقه برای این شبکه است. سال ۲۰۰۸ جورج بوش امیر قطر را صرفاً به خاطر نفرتی که از شبکه الجزیره داشت به کنفرانس ۲۰ در آمریکا دعوت نکرد. تا به حال بارها اتفاق افتاده است که خبرنگار شبکه الجزیره از فلان کشور اخراج یا دفترش در فلان شهر یا کشور بسته شود. پخش می‌شود». نباید فراموش کرد که شعار اصلی این شبکه «آرای و السرای الاخر»، یعنی «دیدگاه و دیدگاه دیگری» بود و الجزیره تابه‌حال به این شعار خود پایبند بوده است.

گواه دیگر بر موفقیت شبکه الجزیره، شاخ‌وشانه‌کشیدن‌های ممتد رهبران کشورهای مهم جهان از آمریکا گرفته تا کشورهای منطقه برای این شبکه است. سال ۲۰۰۸ جورج بوش امیر قطر را صرفاً به خاطر نفرتی که از شبکه الجزیره داشت به کنفرانس ۲۰ در آمریکا دعوت نکرد. تا به حال بارها اتفاق افتاده است که خبرنگار شبکه الجزیره از فلان کشور اخراج یا دفترش در فلان شهر یا کشور بسته شود. پخش می‌شود». نباید فراموش کرد که شعار اصلی این شبکه «آرای و السرای الاخر»، یعنی «دیدگاه و دیدگاه دیگری» بود و الجزیره تابه‌حال به این شعار خود پایبند بوده است.

وزیر اطلاعات بحرن دستور ممنوعیت تهیه گزارش از مسائل داخلی این کشور از سزوی خبرنگاران الجزیره را صادر کرد و گفت این شبکه به اسرائیل تمایل دارد. سال ۲۰۰۲ دولت الجزایر فعالیت‌های گزار‌شگر این شبکه را به حالت تعلیق درآورد. این اقدام در واکنش به پخش یک گفت‌وگوی جنجالی راجع به وضعیت سیاسی این کشور بود. حتی دولت الجزایر طبق یک برنامه سنجیده چنین‌بار هم‌زمان با پخش یکی از برنامه‌های الجزیره برق تعدادی از شهرها را قطع می‌کرد تا مانع مشاهده برنامه‌های این شبکه شود.

عجیب اینکه مقامات اسرائیلی و فلسطینی (دولت خودگردان) به طور یکسان از شبکه الجزیره ابراز نارضایتی می‌کردند. همین چند هفته پیش بود که آویکدور لیبرمن، وزیر خارجه این رژیم، الجزیره را «ابزار تبلیغاتی نازی‌ها» توصیف کرد. دولت ایران در لبنان، ۱۳۸۴ و در ۳۰۰ میلیون دلار و یا سرمایه‌گذاری گروه حریری در لبنان، دولت‌های عربستان سعودی، کویت و چند کشور دیگر اطراف خلیج فارس تأسیس شد. این شبکه هرچند تلاش می‌کرد با ارائه کار حرفه‌ای از تنش آفرینی‌های الجزیره پرهیز کرده و مخاطبان این شبکه را به خود جلب کند اما به دلیل وابستگی شدید این شبکه به عربستان سعودی، هرگز نتوانست الجزیره را به حاشیه براند. شبکه الجزیره در مصر از زمان روی کار آمدن دوباره نظامیان تاکنون تحریم و تعطیل است. در امارات این شبکه قادر به فعالیت نیست. دولت سوریه شبکه الجزیره را نام تجاری خود را یاد نخواهد برد.

نگاه

فقدان استراتژی آمریکا در سوریه

«درحالی‌که نیروهای تحت حمایت آمریکا به بازپس‌گیری موصل در عراق و رقه در سوریه نزدیک می‌شوند، فرماندهان آمریکایی اطمینان دارند که به‌زودی خواهند توانست شبه‌نظامیان داعشی را پس از سه سال مبارزه در خلافت خود‌خوانده خود، درهم بشکنند». به گزارش ایسنا، روزنامه لس‌آنجلس‌تایمز در تحلیلی نوشته است: «اما کاخ سفید همچنان باید استراتژی را برای گام بعدی خود جهت بازپایی ثبات در مناطق بازپس‌گرفته‌شده تعریف کند؛ تصمیماتی کلیدی که باید برای مناطق امن، بازسازی، حکومت‌های در حال تولد، کاهش تنش‌های قومی و تعهد نیروهای آمریکایی اتخاذ شوند».

علاوه بر این دولت دونالد ترامپ هنوز سیاستی برای چگونگی مقابله با نیروهای ایران و روسیه تعیین نکرده است؛ دو قدرت خارجی که بیشترین پیشروی را در این جنگ تلخ داشته‌اند و اکنون امیدوارند بتوانند نفوذ خود را افزایش دهند. ایران به‌ویژه تلاش دارد. امنیت مناطقی را که با عبور از مرز غربی این کشور از عراق و سوریه عبور کرده و به لبنان و حزب‌الله می‌رسد، تأمین کند. مایکل یافه، از سفرای پیشین وزارت دفاع آمریکا در خاورمیانه و معاون مرکز خاورمیانه و آفریقا در مؤسسه صلح آمریکا، دراین‌باره می‌گوید: «درحال‌حاضر همه گروه‌های درگیر در سوریه به دنبال نابودی داعش هستند بدون اینکه از قوانین این مسیر آگاه باشند و این موقعیتی خطرناک است. خطر تقابل گسترده‌تر در هفته‌های اخیر به‌ویژه با ساقط‌شدن جنگنده سوری از سوی نیروهای آمریکایی برای اولین‌بار در این جنگ شش‌ساله به‌خوبی روشن شده است؛ اقدامی که احتمال هرگونه واکنش خشمگینانه را از سوی روسیه که از بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه، حمایت می‌کند، افزایش داد. جنگنده‌های آمریکایی همچنین دو پهپاد ساخت ایران را هدف قرار دادند با وجود اینکه هنوز مشخص نیست که چه کسانی آنها را به پرواز درآورده بودند. پنتاگون ادعا می‌کند تمامی این حملات اقداماتی دفاعی است چراکه این هواپیماها یا به نیروهای آمریکایی یا نیروهای تحت حمایت آن نزدیک شده یا آنها را مورد هدف قرار می‌داده‌اند.

ایلان گلدنبرگ، یکی از اعضای ارشد پیشین وزارت خارجه آمریکا که اکنون ریاست برنامه خاورمیانه را در مرکز امنیت جدید آمریکایی برعهده دارد، نیز دراین‌باره معتقد است: مسئله‌ای که من درباره آن نگرانم سناریویی بسیار پیچیده است. وقتی شما حمله به جنگنده‌های طرف مقابل را آغاز می‌کنید این تنش‌ها به‌سرعت افزایش می‌یابند. پیش از این‌ دونالد ترامپ، در دوران کمپین‌های انتخاباتی وعده داده بود که در ماه اول حضور در کاخ سفید استراتژی خود را برای شکست داعش ارائه دهد. او بعدتر به‌عنوان رئیس‌جمهور متعهد شد تا پس از یک ماه کنفرانسی خبری برای گفت‌وگو درباره این استراتژی برگزار کند.

باین‌حال او هنوز به هیچ‌یک از وعده‌های خود عمل نکرده است اما درحال‌حاضر مباحث گسترده‌ای میان پنتاگون، وزارت خارجه و کاخ سفید برای تعیین استراتژی دراین‌باره در جریان است. دست‌کم به صورت علنی جیمز متیس، وزیر دفاع آمریکا و هربرت مک‌مستر، مشاور اصلی دولت این کشور، اولویت‌های مختلفی را در این موضوع مطرح کرده‌اند. پنتاگون معتقد است تنها هدفش شکست داعش بوده و هیچ قصدی برای درگیری با ایران ندارد. متیس پیش از سفر به اروپا برای شرکت در نشست سران ناتو به خبرنگاران گفته بود: ما تنها از کشیده‌شدن به درگیری‌های جنگ سوریه خودداری می‌کنیم.

دو روز پس از آن مک‌مستر رویکرد متفاوتی را به نمایش گذاشت. وی مبارزه علیه داعش را بخشی از کمپین بزرگ‌تری دانست که هدف آن مسدودکردن شکل‌گیری «گروه‌های تروریستی فراملی» است. وی همچنین ادعا کرد ایران در منطقه نیرویی «نفاق‌افکن» است و استراتژی آمریکا در دوران پس از داعش به‌ویژه بر مژزوری‌کردن تهران متمرکز است تا از نفوذ آن در منطقه جلوگیری کند. در آن‌سو روسیه برای حفظ اسد، به‌عنوان متحد کلیدی‌اش در منطقه و تنها پایگاه دریایی خارجی‌اش که در سواحل سوریه قرار دارد، مبارزه می‌کند. دراین‌میان یکی از مقامات آمریکایی که در جریان اختلافات میان قوای مختلف این کشور بر سر استراتژی در قبال سوریه است، می‌گوید کاخ سفید بسیار مشتاق است از هلیکوپترهای بلک‌هاوک خود برای مسدودکردن راه ایران و کنترل آن استفاده کند، درحالی‌که پنتاگون و وزارت خارجه این کشور تلاش دارند از تقابل مستقیم با تهران خودداری کنند. درهمین‌حال برخی دیپلمات‌ها و مقامات پنتاگون هشدار می‌دهند درگیری با ایران در سوریه بیهوده و فاجعه‌آمیز خواهد بود. آنها همچنین نسبت به انجام اقدامات متقابل در عراق هشدار می‌دهند؛ جایی که نیروهای آمریکایی‌ا عم از دیپلمات‌ها و سربازان برای مقابله با نفوذ ایران در تعاملی حساس با رهبران محلی شیعه قرار دارند.

رابرت فور، سفیر واشگتن در سوریه که این کشور را در سال ۲۰۱۴ ترک کرد، در پاسخ به این سؤال که آیا ش‌رق سوریه جایی است که دولت ترامپ قصد دارد حدود ایران را آتجا تعیین کند؟ گفته است: سوال این است که دولت ترامپ چگونه می‌خواهد در شرق سوریه با ایران روبه‌رو شود و آیا این نقطه محل مناسبی است؟ هم‌زمان مشخص نیست که آیا آمریکا در نهایت تا اسد حمایت خواهد کرد یا خیر؛ اسدی که با وجود بقا در قدرت تا امروز، هنوز روشن نیست چه آینده‌ای در سوریه خواهد داشت. برخلاف اوایا، ترامپ از این اتوکرات سوری نخواست‌ه تا قدرت را به نیم انتقالی واگذار کند یا اقدامات سیاسی مهمی را جذب احزاب مختلف به مذاکرات نکرده است. فور درباره این شرایط توضیح می‌دهد: هیچ نشانه‌ای از چگونگی تلاش اینها برای حل صلح‌آمیز مسئله سوریه با دستیابی به آتش‌بسی گسترده و پایدار در این کشور وجود ندارد. درک‌شولت، یکی از اعضای سابق پنتاگون، درباره آینده سوریه می‌گوید: سوریه به وجود خود به‌عنوان یک کشور روی نقشه ادامه می‌دهد. اما بسیار دشوار است تا تصور کرد این کشور باز هم از سوی دمشق کنترل شود.

نگرانی‌ها درباره گام بعدی هم‌زمان با آزادسازی موصل رو به افزایش است چراکه تقریباً بر همه روشن است که این جنگ با آزادسازی موصل و حتی رقه پایان نمی‌یابد، بلکه آن زمان فرامی‌رسد که آمریکا تصمیم بگیرد آیا می‌خواهد به نبرد مسلحانه در آن ندارند. باین‌حال پنتاگون صدها نفر از نیروهای ویژه خود را برای حمایت از کردهای سوریه و ائتلاف آنها با اعراب در این کشور مستقر کرده است.»